صداهای تازه ادبیات

گفت‌وگو با مجید قیصری دبیر علمی هجدهمین دوره جایزه جلال درباره تحولات و تأثیر این جایزه بر فضای ادبی

جوایز ادبی

مریم شهبازی
گروه کتاب

جوایز ادبی یکی از ابزارهای اثرگذار در جهت‌دهی به سلیقه مخاطبان و شکل‌گیری مرجعیت‌های ادبی هستند؛ هرچند این کارکرد هنوز در ایران آن‌گونه که انتظار می‌رود تثبیت نشده است. در چنین وضعیتی، برگزاری هجدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل‌احمد فرصتی است برای بازنگری در نسبت این جایزه با ادبیات و سازوکار اعتمادسازی آن نزد جامعه ادبی. انتخاب نویسنده‌ای خوشنام چون مجید قیصری به عنوان دبیر علمی این جایزه از منظر اعتمادسازی و اقبال بیشتر اهالی ادبیات واجد اهمیت است، او با آثار شاخصی چون «شماس شامی»، «باغ تلو»، «سه کاهن» و «سنگ اقبال» در دوره‌هایی از منتقدان جدی جایزه جلال بوده و سال گذشته در بین برگزیدگان آن قرار داشت. بهره‌مندی از حضور چنین نویسندگانی می‌تواند به کاهش فاصله این جایزه با مخاطبان و جامعه ادبی کمک کند. در گفت‌وگوی پیش رو با قیصری، نگاهی به روند برگزاری این رویداد رقابتی و ضرورت‌های پیش روی آن داریم؛ گفت‌وگویی که از نسبت جایزه جلال با ادبیات و سیاست آغاز می‌شود و به راهکارهای پیشنهادی برای حفظ استقلال جوایز ادبی می‌رسد. قیصری در این گفت‌وگو درباره تغییرات هجدهمین دوره در مقایسه با دوره‌های گذشته، ضرورت تفکیک نویسندگان کتاب اولی از حرفه‌ای‌ها، تنوع کم‌سابقه نامزدها و پرهیز از اعمال نظر بیرونی سخن می‌گوید و تصویری امیدوارانه از وضعیت فعلی ادبیات داستانی ترسیم می‌کند.

چگونگی برگزاری جوایز فرهنگی- هنری و جشنواره‌های دولتی چون جایزه ادبی جلال آل‌احمد در دوره‌ها و دولت‌های مختلف اغلب با تغییرات زیادی همراه می‌شود، فقدان رویکرد ثابت در روند سیاست‌گذاری‌ها، چقدر به نتیجه نهایی و میزان اثرگذاری این جوایز نزد جامعه هدف آن لطمه می‌زند و چه راهکاری برای بهبود این وضعیت پیشنهاد می‌دهید؟

خود این سؤال نشان دهنده آسیبی است که جایزه جلال طی دوره‌های مختلف با تغییر رویکرد و سیاست‌گذاری‌های ناشی از جابه‌جایی دولت‌ها دیده. اگر آسیب ندیده بود، چنین سؤالی طرح نمی‌شد و خب این مسأله‌ای است که فقط به جایزه جلال محدود نمی‌شود، درباره دیگر جشنواره‌ها و رویدادهای فرهنگی- هنری دولتی نیز صادق است. مهم‌ترین دلیل این تأثیرپذیری و تغییر رویکرد مدام را باید در مستقل نبودن جایزه جلال جست‌وجو کرد که آن را از طی مسیری مشخص محروم می‌کند. به گمانم یکی از کاربردی‌ترین راهکارها برای رفع این مشکل، در نظر گرفتن یک هیأت علمی برای مدت حداقل چهار سال است. این افراد باید به نحوی انتخاب شوند و برای آنان قوانینی وضع شود که خود را پاسخگوی تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات‌شان بدانند. اگر فلان دبیر یا هیأت داوران را انتخاب کردند از آنان برای چرایی و حتی عملکردشان پاسخ بخواهند. وقتی خود را ناگزیر به پاسخگویی ببینند با افرادی که سنخیتی با جایگاه‌شان ندارند روبه‌رو نمی‌شویم. این رویکردی است که به کار جایزه کتاب سال هم می‌آید. اعضای هیأت علمی باید مورد وثوق جامعه ادبی باشند و نه فقط مورد قبول وزیر فرهنگ و معاونت فرهنگی‌اش در دولت‌های مختلف. در انتخاب هیأت علمی نیازمند کاری اصولی هستیم. مجموع اینها به جامعه ادبی و مخاطبان راهی که در هر دوره قرار است طی کند را نشان می‌دهد. بعد از آن می‌توان عملکرد سالانه دبیر جایزه و دیگر دست‌اندرکارانش را ارزیابی کرد و دید که تا چه اندازه در تحقق اهدافی که مدنظر بوده موفق عمل کرده‌اند. ولی تا به امروز در هیچ دوره‌ای خبری از پاسخگویی برگزارکنندگان جوایز ادبی درباره نتیجه فعالیت‌هایشان نبوده است. با رعایت این اصل مهم، بخشی از برنامه‌ریزی سالانه جایزه جلال را می‌توان برنیاز روز متمرکز و جریان داستان‌نویسی را به سمت‌وسوی برطرف ساختن آن هدایت کرد، به عنوان نمونه یک سال ممکن است زبان فارسی با مسائلی روبه‌رو باشد و سالی دیگر بحث جای خالی اسطوره‌ها در ادبیات داستانی و ضرورت تلاش برای رفع آنها درمیان با شد .

استمرار حضور افراد برای دوره‌های طولانی آسیب‌زننده نیست؟

اگر تنوع فکری و ادبی در انتخاب افراد رعایت شود، این روند نه تنها آسیب‌زننده نیست بلکه بر خروجی کار نیز اثر می‌گذارد. وقتی هیأت علمی از تمامی گرایش‌ها بوده و در زمینه کاری‌شان اعلم آن عرصه باشند، خیال جامعه ادبی آسوده می‌شود که در انتخاب آثار به سراغ کارهای تاریخ مصرف‌دار یا صرفاً خوشایند دولت‌ها نمی‌روند. در غیراین صورت جوایز ادبی سیاست‌زده می‌شوند و ادبیات به حاشیه رانده می‌شود. ادبیات نباید به زیرمجموعه و ابزاری برای سیاست تبدیل شود. دولت‌ها نباید نگاه و رویکرد خاص خود را در جوایز ادبی دنبال کنند، هدف اصلی باید خود ادبیات و کمک به ارتقای آن باشد. در صورت رعایت این موارد جوایز ادبی برای مخاطبان هم اثرگذار خواهند بود.

نظیر نوبل و پولیتزر که اعلام نتایج‌شان بر بازار کتاب مؤثر بوده و موجی مردمی را در خرید و مطالعه آثار نویسندگان برگزیده به راه می‌اندازند؟

بله، اما فراموش نکنیم حتی نوبل هم جایزه بی‌حاشیه‌ای نیست و اتفاقاً طی سال‌های اخیر با مشکلات متعددی روبه‌رو شده است. در عرصه جهانی ادبیات، نویسندگان درجه یک بسیاری هستند که از فهرست برگزیده‌های آن‌جا مانده و نویسندگانی با سطح پایین‌تر جایگزین‌شان شده‌اند. سیاست‌گذاری‌های اشتباه و سنگینی سایه سیاست در ارتباط با جایزه ادبی نوبل هم مطرح است. نمونه‌اش انتخاب باب دیلن که بیشتر به فعالیت در عرصه موسیقی و ترانه‌سرایی مشهور است تا ادبیات و از آن طرف ماجرای انتخاب پیتر هانتکه که به سبب حمایتش از نسل‌کشی سربرنیتسا توسط صرب‌ها، آکادمی نوبل را با انتقادات زیادی روبه‌رو ساخت! اگر چه نوبل ادبی هم با انتقادات زیادی روبه‌رو است ولی به هرحال انتخاب‌های خوب و اصولی نیز کم نداشته است و به‌رغم همه حواشی‌اش، نقش‌آفرینی زیادی در جامعه جهانی ادبیات و کتاب‌دوستان در همه کشورها دارد. حالا بحث جوایز خارجی فرق دارد اما درباره جایزه جلال معتقدم اگر هیأت علمی به درستی انتخاب شده و هیأت داوران را از میان گروه‌های مختلف انتخاب کنند به مرور اعتمادسازی می‌شود. البته باز هم یادآوری می‌کنم حتی در بهترین شکل برگزاری جوایز ادبی نیز همچنان با گلایه‌ها و حاشیه‌هایی روبه‌رو خواهیم شد ولی می‌توان آن را به حداقل رساند. در جایزه جلال با بخش‌های مختلف رمان- داستان بلند، داستان کوتاه، مستندنگاری و نقد ادبی روبه‌رو هستیم، اگر اصولی برگزار شود اعتبار کسب می‌کند و نتیجه‌اش بر جلب اعتماد مخاطبان اثر می‌گذارد. حرکت به این سمت اصلاً آرمانی و دور از تصور نیست.

شما در سال‌هایی از منتقدان جایزه جلال بودید، حتی در دوره‌ای کتاب‌تان را از فهرست نامزدهای مرحله نهایی خارج کردید؛ با وجود این چرا امسال دبیری علمی آن را قبول کردید؟

در ابتدا تمایلی نداشتم اما وقتی آقای طریقی، مدیر دفتر شعر و ادبیات داستانی خانه کتاب تماس گرفت و خیالم را آسوده کرد که در انتخاب‌ها خبری از اعمال سلیقه نیست، قانع شدم که می‌توانیم کاری برای ادبیات امروز انجام بد هیم .

طی دوره‌هایی جایزه جلال با این نقد روبه‌رو بوده که نتیجه‌اش بیش از حد محتاطانه و از پیش مشخص است. نتایج امسال تا چه‌اندازه قادر به تغییر این ذهنیت است؟

نه فقط به اسامی برگزیده‌ها، بلکه وقتی به فهرست نامزدهای مرحله نهایی در بخش رمان‌اولی‌ها و رمان حرفه‌ای‌های جایزه این دوره نگاه کنید، بعد سراغ نامزدهای مرحله نهایی هفده دوره گذشته بروید. تنوعی که در فهرست نامزدهای هجدهمین دوره دیده می‌شود به گمانم کم‌سابقه است. این تنوع در اسامی نویسندگان و هم مؤسسات انتشاراتی مشهود است.

به استناد فهرستی که مدعی انتخاب اصولی‌شان هستید، می‌توان مدعی پرهیز از اعمال سلیقه‌های سیاسی در هجدهمین دوره جایزه جلال شد؟

به ضرس قاطع تأکید می‌کنم که این دوره به دور از هرگونه اعمال سلیقه داخل و بیرون از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد. اگر قرار به اعمال نظر بر نتایج بود، به عنوان دبیرعلمی از آن باخبر می‌شدم اما چنین اتفاقی رخ نداد. اگر گمان می‌کنید بنابر مسئولیتم قصد مماشات دارم، شما و دیگر دوستان رسانه‌ای می‌توانید با داوران بخش‌های مختلف مصاحبه کنید تا متوجه صحت و سقم گفته‌های من شوید. با داوران صحبت کنید و ببینید اجباری در انتخاب آثارشان داشته‌اند یا نه! محسن کاظمی، رامبد خانلری، محمدرضا گودرزی و دیگر داورانی که در بررسی آثار این دوره حضور داشتند نویسندگانی نیستند که تن به انتخاب‌های این‌چنینی بدهند. با هیچ اجباری روبه‌رو نشدیم، نه از سمت مدیریت دفتر شعر و ادبیات داستانی خانه کتاب و نه از طرف شخص وزیر فرهنگ و معاون فرهنگی ایشان. همان ابتدا تأکید کرده بودم با هیچ اعمال سلیقه‌ای کنار نمی‌آیم و گفتم تنها ملاک‌مان در بررسی آثار باید برخورداری‌شان از مجوز انتشار باشد. با این نگاه از هیچ کتاب و مؤسسه نشری غفلت نکردیم، کوچک‌ترین انتشاراتی‌های فعال در شهرستان‌های دور را هم از نظر گذراندیم و کوشیدیم تا فارغ از شهرت افراد و مؤسسات انتشاراتی به بررسی آثار بپردازیم. در بررسی‌ها به خود ادبیات داستانی توجه شد و نه به اسامی یا نگاه غالب بر دوره‌های گذ شته .

رویکرد برگزاری جایزه جلال این دوره چه تفاوتی با سال‌های قبل داشت؟ و داوران برچه اساس انتخاب شدند؟

برای اولین بار آثار نویسندگان کتاب اولی را از نویسندگان حرفه‌ای در بخش‌های داستان و رمان جدا کردیم تا با انصاف بیشتری داوری شوند. مانند روندی که در جشنواره فیلم فجر هم اجرایی می‌شود و ما شاهد داوری جداگانه تولیدات کارگردان‌های فیلم اولی هستیم. داوری آثار نویسندگان کتاب اولی در کنار نویسندگان حرفه‌ای عادلانه نیست. اینگونه هم نویسندگان جوان به ادامه کار تشویق می‌شوند و هم ناشران آنان را جدی‌تر می‌گیرند. در ارتباط با انتخاب داوران مهم‌ترین ملاک، رعایت تنوع فکری و تبحر کاری‌شان بود. خود من در دوره‌هایی منتقد این بودم که چرا نام برخی افراد در هیأت علمی و داوران تکرار می‌شود! خوشبختانه حدود نیمی از هیأت علمی و داوران، اولین مرتبه‌ای بود که به جمع برگزارکنندگان جایزه جلال می‌پیوستند، افرادی که به استناد فهرستی که پیش‌تر منتشر شده، همگی نویسندگان حرفه‌ای هستند. مهم‌ترین مسأله‌ای که در هیأت علمی و با داوران جایزه درباره‌اش صحبت کردیم، این بود که با انتخاب‌های اصولی، تصویر درستی از ادبیات امروزمان به مخاطبان ارائه بدهیم. تلاش کردیم صداهای مختلف را بشنویم تا با نشان دادن پویایی ادبیات، امیدواری بیشتری ایجاد شود.

> **درباره جایزه جلال معتقدم اگر هیأت علمی به درستی انتخاب شده و هیأت داوران را از میان گروه‌های مختلف انتخاب کنند به مرور اعتمادسازی می‌شود. البته باز هم یادآوری می‌کنم حتی در بهترین شکل برگزاری جوایز ادبی نیز همچنان با گلایه‌ها و حاشیه‌هایی روبه‌رو خواهیم شد ولی می‌توان آن را به حداقل رساند**

کدام یک از بخش‌های هجدهمین دوره جایزه جلال را شاخص‌تر می‌دانید؟

داوران در بخش رمان حرفه‌ای کار بسیار سختی داشتند. آنقدر رمان‌های شاخص و تراز داشتیم که انتخاب میان‌شان واقعاً دشوار بود. امسال با انبوهی از آثار خوب مواجه شدیم. در اینکه به کدام کتاب جایزه بدهیم مشکلی نداشتیم، مشکل‌مان این بود که به کدام کتاب جایزه ندهیم! من و همکارانم در هجدهمین دوره جایزه جلال افتخار می‌کنیم چنین کارهای خوبی برای بررسی به دستمان رسید. این شاخص بودن، هم از جهت تکنیکی و هم مضمونی بود. آثار بخش مستند نگاری تنوع موضوعی کمی داشتند، اغلب معطوف به جنگ و دفاع مقدس بودند و هم بسیار شبیه یکدیگر. در بخش داستان کوتاه هم از نظر کمیت با رشد قابل قبولی روبه‌رو شده بودیم، آن هم در شرایطی که بخشی از حیات داستان کوتاه به انتشارشان در نشریات تخصصی ادبی وابسته است. و خب تعداد این نشریات هم کم است. همین که داستان کوتاه هنوز در کشورمان نفس می‌کشد اتفاق خوبی است.

به عنوان یک نویسنده با توجه به کتاب‌هایی که در این دوره جایزه جلال بررسی شدند، ارزیابی‌تان از وضعیت فعلی ادبیات داستانی چیست؟

نگاهم امیدوارانه است. فقط از بابت تعداد آثاری که در دبیرخانه این دوره از جایزه بررسی شدند با افزایش زیادی روبه‌رو شدیم. آثار بررسی شده در دوره گذشته جایزه جلال ۲ هزار و ۵۲۶ اثر بوده که امسال به ۳ هزار و ۲۱۳ اثر رسید. افزایش ۲۷ درصدی اتفاق کمی نیست. این آثار یک‌شبه خلق نشده‌اند. درباره مستندنگاری شاید به زمان کمتری نیاز باشد اما درباره داستان و رمان این‌گونه نیست. نوشتن این آثار نیازمند صرف زمان زیادی است، طبیعتاً اغلب‌شان پیش‌تر نوشته شده‌اند ولی در این دوره منتشر شده‌اند. این نشان‌دهنده گشایشی است که با تغییر دولت رخ داده و نویسندگان را به کاهش سختگیری‌های دوره‌های قبل امیدوار کرده است. دیگرآنکه در آثار بررسی شده، تنوع ژانری خوبی در بخش‌های مختلف داستانی دیده شد. این تنوع گویای مسیر رو به جلوی ادبیات داستانی است.

> **برای اولین بار آثار نویسندگان کتاب اولی را از نویسندگان حرفه‌ای در بخش‌های داستان و رمان جدا کردیم تا با انصاف بیشتری داوری شوند. مانند روندی که در جشنواره فیلم فجر هم اجرایی می‌شود و ما شاهد داوری جداگانه تولیدات کارگردان‌های فیلم اولی هستیم. داوری آثار نویسندگان کتاب اولی در کنار نویسندگان حرفه‌ای عادلانه نیست**

غیر از بحث کمیت و تنوع ژانری که اشاره شد، برای ادبیات داستانی امروز ویژگی خاص دیگری را هم می‌توان برشمرد؟

از بحث تنوع ژانری و کمیت که بگذریم، نقش‌آفرینی زنان در ادبیات داستانی امروز در روند بررسی آثار نیز مشهود بود. البته این مورد را نمی‌توان به چند سال اخیر محدود کرد که بگوییم کشف ما بوده است! اما صداهای تازه‌ای در ادبیات داستانی، به‌خصوص از بین زنان نویسنده به گوش می‌رسد. زنان نویسنده اگر نگویم در نامزدهای نهایی حضوری برابر با مردان داشته‌اند، فاصله‌شان خیلی کم بوده است. در دوره‌های گذشته آثارشان آنطور که باید دیده نمی‌شد. از سوی دیگر مسأله‌ای که در روند بررسی‌ها آن را دریافتیم این است که نویسندگان کار اولی و دومی، مقهور نویسندگان قبل از خود نیستند و هریک به دنبال صدای خاص خودشان می‌گردند. این مسأله درباره اغلب زنان و مردان جوانی که به تازگی قدم در این راه گذاشته‌اند صادق است. با وجود این امسال در بخش نقد ادبی هیچ اثری به مرحله نهایی داوری راه پیدا نکرد .

این را می‌توان ضعفی برای بخش نظری ادبیات امروز دانست؟ به خصوص که نقد اصولی نقش مهمی در ارتقای ادبیات ایفا می‌کند!

من آن را ضعف نمی‌دانم؛ بیشتر خلأ است تا ضعف. نقد ادبی تنها بخش جایزه جلال است که با معیار علمی بررسی می‌شود و نگاه و سلیقه داوران نقشی در آن ندارد. آثاری که امسال در حوزه نقد ادبی بررسی شدند بیشتر بر ادبیات کهن متمرکز بودند، انگار ادبیات معاصری وجود نداشته است که به آن بپردازند. در مواردی هم که به ادبیات معاصر پرداخته بودند از «سووشون» سیمین دانشور جلوتر نیامده بودند. در صورتی که در این چند دهه اخیر آثار داستانی شاخص متعددی منتشر شده‌اند. منتقدان باید توجه بیشتری به ادبیات داستانی معاصر نشان بدهند تا بدانیم این بخش از ادبیات چه مسیری را در پیش گرفته است. امیدوارم همین فقدان اثر برگزیده در حوزه نقد ادبی، تلنگری به جامعه دانشگاهی که اصلی‌ترین مرکز تولید این آثار است بزند تا آن را جدی‌تر بگیرند. شاید این حفره‌ای که ایجاد شده را نباید به حساب کم‌کاری منتقدان گذاشت، نقد نیازمند دانش وسیعی است، ممکن است هنوز آثار منتقدان به مرحله انتشار نرسیده باشد و برای دوره آینده این فقدان جبران شود.

یکی از پرسش‌های همیشگی درباره جوایزه ادبی که خودتان هم در دوره‌هایی به آن نقد داشتید این است که «چرا فلان کتاب دیده نشد؟» به عنوان دبیر علمی جایزه برای جلوگیری از طرح این سؤال چه کردید؟

این مسأله در روزهای آینده خودش را نشان می‌دهد. باید کمی از اعلام نتایج بگذرد و جامعه ادبی و مخاطبان فرصت بررسی آثار و فهرست برگزیده‌ها را داشته باشند. اگر کسی به این مورد نقد داشت آن را مطرح کند. خودم سال گذشته معترض بودم که چرا مجموعه داستان‌های اصغر عبدالهی و عالیه عطایی در داوری‌ها دیده نشد. از زمان اعلام نامزدهای نهایی با چنین سؤالاتی روبه‌رو نشدیم اما نقد اصولی به کارمان را می‌پذیریم هرچند امیدوارم که مرتکب اشتباه فاحشی نشده باشیم.

واکنش‌هایی که تا این لحظه به روند برگزاری جایزه جلال داوری‌ها داشتید، بیشتر حول چه محورهایی بوده؟ دراین دوره هم نظیر گذشته با اعتراض‌های نویسندگان برای اینکه نام‌شان همراه با جایزه‌ای دولتی مطرح نشود داشتید؟

بله. وقتی با نویسندگان فهرست اولیه‌مان تماس گرفتیم، تعداد کمی از آنان درخواست حذف نام‌شان را داشتند. این حق طبیعی هر نویسنده‌ای است. بنابراین اسامی آنان حذف و با نفرات دیگری جایگزین شد. یکی دو نفر هم ابتدا مخالفتی نکردند ولی بعد که نام خودشان و اثرشان رسانه‌ای و مطرح شد، خواهان حذف از فهرست داوری‌ها شدند که این بی‌اخلاقی است. اگر مخالف بودند باید همان ابتدا مطرح می‌کردند.

شما اعتراض اهالی کتاب به این جایزه و هر رویداد دیگری را به معنای علاقه‌مندی آنان به جوایز خوانده‌اید، و تلاشی برای رفع نواقصی که دارند. در روند برنامه‌ریزی و داوری‌های جایزه جلال برای رفع کاستی‌های گذشته، چقدر پای صحبت‌های منتقدان نشستید؟

راستش امکانی برای اینکه پای گفته‌های معترضان دوره‌های گذشته بنشینیم نداشتیم. اما از پیشنهادهایی که مطرح می‌شدند بی‌تفاوت نمی‌گذشتیم. گاهی خود ناشران تماس می‌گرفتند که چند کتاب خوب منتشر کرده‌اند و خواهان بررسی آثارشان در چرخه داوری بودند. تلاش کردیم هیچ کتابی از روند داوری جا نماند تا در حد امکان حق کسی پایمال نشود. همه‌مان صادقانه برای تحقق این هدف کوشیدیم. اما در نهایت حالا که نتایج داوری‌ها اعلام شده، این جامعه ادبی و علاقه‌مندان کتاب هستند که باید درباره عملکرد و میزان موفقیت‌مان نظر بدهند.

برگزیدگان هجدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد

هجدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد، روز گذشته به میزبانی تالار قلم کتابخانه ملی با معرفی آثار برگزیده به کار خود پایان داد. بنا بر اعلام، مبلغ ۶۰۰ میلیون تومان به برگزیدگان و ۲۰۰ میلیون تومان نیز به شایستگان تقدیر اهدا خواهد شد.

مستندنگاری: «قاسم؛ به روایت مرتضی سرهنگی» نوشته مرتضی سرهنگی، با همکاری محمدعلی آقامیرزایی و محبوبه عزیزی از انتشارات خط مقدم به عنوان برگزیده این بخش معرفی شد. مکرمه شوشتری، علی کاشفی خوانساری و محسن کاظمی داوران بخش مستندنگاری بودند.

داستان بلند و رمان: «لمس» نوشته محمدرضا کاتب از نشر نیماژ، عنوان برگزیده و «ژنرال» نوشته زهرا گودرزی از نشر چشمه عنوان شایسته تقدیر این بخش را کسب کردند؛ رامبد خانلری، سعید محسنی و داوود امیریان داوران بخش داستان بلند و رمان بودند.

داستان کوتاه: «گاهی به قبرها هم نگاه کن» نوشته عباس عظیمی از نشر چشمه و «من ابن بطوطه هستم» اثر خسرو عباسی خودلان از انتشارات مؤسسه فرهنگی هنری هنرمندان مشرق‌زمین به طور مشترک عنوان برگزیده این بخش را از آن خود ساختند؛ داوران داستان کوتاه احمد آرام، محمدرضا گودرزی و مرتضی برزگر بودند.

نقد ادبی: مریم حسینی، بهناز علیپور گسکری و عبدالحسین آذرنگ داوران بخش نقد ادبی، در این دوره هیچ اثری را شایسته نامزدی و کسب عنوان برگزیده و شایسته تقدیر معرفی نکردند.

بخش ویژه: «قربان زرپران» نوشته امیرحسین روح‌نیا رتبه اول و «زمین» اثر سارا شجاعی و «حرمت» نوشته زینب محمد قلی‌زاد به طور مشترک رتبه دوم بخش ویژه «ماه مجلس» (به مناسبت هزار و پانصدمین سالروز ولادت حضرت پیامبر(ص)) را کسب کردند.

بخش ویرایش: مهدی فروتن برای ویراستاری کتاب «ژنرال» عنوان برگزیده این بخش را کسب کرد. هجدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد به دبیری مجید قیصری و با حضور مجید آقائی، مسعود کوثری، کاوه میرعباسی، زهرا زواریان، خسرو باباخانی، شیوا مقانلو و محمد کشاورز به عنوان اعضای هیأت علمی برگزار شد. در این دوره ۳۲۱۶ اثر بررسی شد؛ ۱۵۳۱ اثر در بخش داستان بلند، ۵۹۶ اثر در مجموعه داستان کوتاه، ۱۰۱۳ اثر در مستند نگاری و ۷۶ اثر در نقد ادبی.